



۱ در کدام بیت نادرستی املائی یا رسم الخطی وجود دارد؟

- (۱) ای لوای اجتهاد افزاشته روزۀ هر روز، عادت ساخته
 (۲) هان، مشو مغرور بر افعال خود هان مشو مسرور بر احوال خود
 (۳) ای بسا نعلی که وارون بسته شد شیشه امن نفوس اشکسته شد
 (۴) ای بسا بدطینت و نیکوخسال ای بسا خوش طینت و ناخوش فعال

۲ در بیت زیر، "حالت ی" به "حالت ی" دیگر تشبیه شده است. این تشبیه را در بیت گزینه نیز می‌توان دید.
 "دیدار یار غایب، دانی چه ذوق دارد؟ ابری که در بیابان بر تشنه‌ای بیارد"

- (۱) بر گل سرخ از نم اوفتاده لآلی همچو عرق بر عذار شاهد غضبان
 (۲) تو همچو صبحی و من شمع خلوت سحرم تبسمی کن و جان بین که چون همی سپرم
 (۳) ای سرو بلندقامت دوست وه وه که شمایلت چه نیکوست
 (۴) اشکم ولی به پای عزیزان چکیده‌ام خارم ولی به سایه گل آرمیده‌ام

۳ در کدام بیت واژه‌ای نادرست آمده است؟

- (۱) نهان شد از گل زردی گلی سپید که ما سپیدجامع و از هر گنه مبراییم
 (۲) جواب داد که ما نیز چون تو بی‌گنهم چراکه جز نفسی در جهان نمی‌پاییم
 (۳) قضا، نیامده، ما را ز باغ خواهد برد نه می‌رویم به سودای خود، نه می‌آییم
 (۴) در این زمانه فزودن برای کاستن است فلک بکاهدمان هرچه ما بیفزاییم

۴ چندتا از ترکیب‌های زیر نادرستی املائی دارد؟

"متمکز کردن ذهن / ظلمت بی‌طلوع / معجزه بینایی / منظره تماشایی / قابلیت‌های نهفته / نمایش مهیج / موحبت‌های متعدّد / عظمت و شکوه / نغمه‌های پرندگان"

- (۱) یک (۲) دو
 (۳) سه (۴) چهار

"زان که قدر دُر چه داند مفلسی؟ باید آن را عارفی نه هرکسی"

- (۱) هرکه با بدان نشیند، اگر نیز طبیعت ایشان در او اثر نکند، به طریقت ایشان متهم گردد.
- (۲) به نظر من استعداد ادراک زیبایی‌ها به نحوی در ما نهفته است، که باید آن را بیدار کنیم.
- (۳) دوست واقعی، راه نیک‌بختی را نشان می‌دهد و مثل آئینه همان‌قدر که خوبی‌ها را پیش چشم می‌آورد، عیب‌ها را هم به ما می‌نمایاند.
- (۴) انسان باید برای کسب علم مسیرهای سختی را به‌تنهایی بپیماید.

کدام بیت صفت تفضیلی دارد؟

- (۱) پیش او پست و بلند راه هیچ تندسیر و موج‌موج و پیچ‌پیچ
- (۲) بانگ زد ای‌وای بر تقدیر من وای بر فریاد بی‌تأثیر من
- (۳) داند آن مردی که صاحب جوهر است جرم تو از جرم من سنگین‌تر است
- (۴) مرگ تو اهل جهان را زندگی است باش تا بینی که انجام تو چیست

چندتا از واژه‌های زیر نادرست معنا شده است؟

"دیرینه: آینده - صحبت: همنشینی - مادام: همیشه - جز: بخش - فاقد: دارا - بردبار: صبور - خیره: بیهوده"

- (۱) یکی (۲) دوتا
- (۳) سه‌تا (۴) چهارتا

"پریشان" و "بهارستان" را به ترتیب

- (۱) قآنی و جامی در تقلید از بوستان سعدی نگاشته‌اند.
- (۲) قآنی و قائم‌مقام در تقلید از گلستان سعدی نگاشته‌اند.
- (۳) جامی و قائم‌مقام در تقلید از بوستان سعدی نگاشته‌اند.
- (۴) قآنی و جامی در تقلید از گلستان سعدی نگاشته‌اند.

کدام گزینه در تأیید عبارت زیر نیست؟

"مشورت با پدر و مادر، معلّمان دلسوز و مربیان باتجربه است که ما را از دام چاه راه آگاه می‌سازد."

- (۱) هرکه بی‌مشورت کند تدبیر غالبش بر غرض نیاید تیر
- (۲) بیخ بی‌مشورت که بنشانی بر نیارد به جز پشیمانی
- (۳) در مشورت نیافت کس مقصود از دو بی‌اصل سست‌رأی حسود
- (۴) مشورت ادراک و هشیری دهد عقل‌ها مر عقل را یاری دهد

کدام بیت با بیت "سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد" قرابت معنایی دارد؟

- (۱) گویی از صحبت ما نیک به تنگ آمده بود
- (۲) هرکه او در صحبت نیکان نشست
- (۳) گر بد بودیم، رستی از صحبت ما
- (۴) هر آن قماش که از سوزنی جفا نکشد

در کدام گزینه واژه‌ای نادرست معنا شده است؟

- (۱) مهیج: هیجان‌انگیز / قابلیت: توانایی
- (۲) تأسّف: اندوه / مایه: اندازه
- (۳) نهفته: پنهان‌شده / تجسّم: در نظر آوردن
- (۴) ظلمت: ستمگری / موهبت: بخشش

قرابت معنایی بین ابیات گزینۀ و عبارت زیر آشکار است.

"یکی از بزرگان، پارسایی را گفت، "چه گویی در حقّ فلان عابد که دیگران در حقّ وی به طعنه، سخن‌ها گفته‌اند." گفت: "بر ظاهرش، عیب نمی‌بینم و در باطنش، غیب نمی‌دانم."

- (۱) بی‌طاعت حق بهشت و رضوان مطلب / بی‌خاتم دین ملک سلیمان مطلب
- گر منزلت هر دو جهان می‌خواهی / آزار دل هیچ مسلمان مطلب
- (۲) هرکه را جامه پارسا بینی / پارسا دان و نیک‌مرد انگار
- ور ندانی که در نهانش چیست / محتسب را درون خانه چه کار؟
- (۳) تسبیح ملک را و صفا رضوان را / دوزخ بد را بهشت مر نیکان را
- دیا جم را و قیصر و خاقان را / جانان ما را و جان ما جانان را
- (۴) یا رب ز کرم دری به رویم بگشا / راهی که در او نجات باشد بنما
- مستغیم از هر دو جهان کن به کرم / جز یاد تو هرچه هست بر از دل ما

همۀ ابیات به‌استثنای بیت به تأثیر همنشین بر اخلاق انسان اشاره می‌کند.

- (۱) آنچه عشق دوست با من می‌کند / والله ار دشمن به دشمن می‌کند
- (۲) با بهان لحظه‌ای چو بشتابی / نام نیکو از او بسی یابی
- (۳) صحبت نیک را از دست مده / که مه و به شوی ز صحبت مه
- (۴) هیچ صحبت مباد با عامت / که چو خود مختصر کند نامت

در ابیات زیر نقش دستوری گروهی که صفت عالی دارد کدام است؟

"چنین دان که جان برترین گوهر است / نه زین گیتی از گیتی دیگرست
درفشده شمعیت این جان پاک / فتاده درین ژرف جای مگاک"

- (۱) نهاد
- (۲) متمّم
- (۳) مسند
- (۴) منادا

"مصاحبت با دوست شکبیا همچون وزش نسیم دل‌انگیزی است که احساس آرامش و صفای درون را در ما زنده می‌سازد."

- (۱) رکن اول، مشبّه: مصاحبت با دوست شکبیا
 (۲) رکن دوم، مشبّه‌به: وزش نسیم دل‌انگیز
 (۳) رکن سوم، وجه شبه: بی‌قراری
 (۴) رکن چهارم: ادات تشبیه: همچون

چندتا از عبارات زیر کاملاً درست است؟

- (الف) کتاب‌های "حديقة الحقیقة" و "کارنامه بلخ" از آثار سنایی غزنوی است.
 (ب) در کلیات سعدی شیرازی قصاید، غزلیات، ترجیع‌بند، رباعیات، مقالات و قصاید عربی نیز دیده می‌شود.
 (ج) کتاب عظیم "مثنوی معنوی" گنجینه‌ای از معارف اسلامی و اثر مولانا ادیب بزرگ قرن ششم هجری قمری است.

- (۱) هر سه تا صحیح است.
 (۲) دوتا صحیح است.
 (۳) فقط یکی صحیح است.
 (۴) هیچ‌کدام صحیح نیست.

"به" در کدام بیت صفت تفضیلی است؟

- (۱) گرچه زمزم را پدید آورد هم نامش به پای
 (۲) هرچه بیدادست بر ما ریز کاندرا کوی داد
 (۳) عاشقی را کاسمان رنجه ندارد هر زمان
 (۴) عشق تو هر شب برانگیزد ز جانم رستخیز
 او به مویی هم روان کرد از دو چشم نیل را
 ما به جان پذیرفته‌ایم از زلف تو بیداد را
 در زمین باشد بسی به زان که باشد بر زمین
 چون تو بگریزی و بگذاری به‌تنهایی مرا

چندتا از واژه‌های مشخص‌شده متن زیر (بینایی، زیاد، برگ، صاف، جوانه، نشانه، خواب) هسته گروه خود است؟

"من که قدرت بینایی ندارم، چیزهای زیادی پیدا می‌کنم که صرفاً از طریق لمس کردن، توجهم را جلب می‌کنند، لطافت برگ را حس می‌کنم. عاشقانه دست‌هایم را بر روی پوست صاف یا پوسته زبر و درهم‌وبرهم درخت می‌کشم. در بهار شاخه‌های درختان را که با امیدواری در جستجوی جوانه هستند، لمس می‌کنم؛ این یعنی اولین نشانه بیدارشدن طبیعت بعد از خواب زمستانی‌اش."

- (۱) دوتا
 (۲) سه تا
 (۳) چهارتا
 (۴) پنج تا

دو بیت کدام گزینه باهم نزدیکی معنایی دارند؟

- (۱) ذوقی چنان ندارد، بی‌دوست زندگانی
 تو فارغی و عشقت بازیچه می‌نماید
 تا خرمنت نسوزد احوال ما ندانی
 دودم به سر برآمد زین آتش نهانی
 (۲) خوش است اندوه تنهایی کشیدن
 اگرچه تلخ باشد فرقت یار
 اگر باشد امید باز دیدن
 در او شیرین بود امید دیدار
 (۳) پسر نوح با بدان بنشست
 در چنان وقت که طوفان بلا برخیزد
 خاندان نبوتش گم شد
 عزت نوح به خواری پسر کم نشود
 (۴) از شوق وصلت آمد، جان عزیز بر لب
 چون توانم کز حضورش کام دل حاصل کنم
 گر می‌شود میسر، سهل است گو برآ جان
 کان زمان از خویش غائب می‌شوم کو حاضر است

- (۱) زمانه نو شد و گیتی ز سر جوانی یافت
امیر به شد و اینک به باده دارد رای
- (۲) به از نام نیکو دگر نام نیست
بد آن کس که نیکوسرانجام نیست
- (۳) اوقات زندگی ز فسردن به باد رفت
بر گریهات اگر نبود دسترس، بخند
- (۴) آن به که ز کنج قفس آزاد نگردد
مرغی که سر صحبت گلزار ندارد